وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ هژدهم | چهارشنبه ۱۴ اسد ۱۳۸۳ - ۱۸ جمادی الثانی ۱۴۲۵ - 4 August 2004

سرمقاله
فرهنگ مبارزات انتخاباتی
ص۲

مجاهدین و اصلاحات
ص۲

نکاتی در مورد پرورش فرزندان
ص۷

استاد برهان الدین ربانی رهبرجهاد ومقاومت در جمعی از فرماندهان وعلماء و روشنفکران ولایات شمال شرق کشور:

انتخاب معاونان حق نامزدهای ریاست جمهوری است

شام سه شنبه ۱۲ اسد محفلی از طرف دارالانشای جمعیت اسلامی افغانستان به اشتراک شماری از قوماندانان و علما وروشنفکران ولایت تخار و ولایات دیگر در سالن میوند برگزار گردید.

در این گرد همایی محترم استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت افغانستان طی سخنانی تحولات اخیر کشور را مورد بحث قرار دادند. استاد در مورد موضع جمعیت اسلامی در قبال انتخابات ریاست جمهوری وکاندیداهای این مقام گفت: من از آغاز به این نظر بودم که مجاهدین باید برای پست ریاست جمهوری نامزدی مشخص داشته باشند همه گروه ها و شخصیت ها باید در این بحث ها شرکت نموده و متحدانه تصمیم بگیرند. اما عده یی از دوستان با این نظر موافق نبودند. آنها حفظ وضع موجود را وضع ایده آل دانسته وبه آن دلبستگی نشان می دادند من به آنها گفتم هر تصمیمی که به اتفاق نظر دوستان گرفته شود مخالفت نمی کنم. اما موافقت خویش را به صورت مشروط اعلام کرده و شرطهای خویش را کتباً به ایشان ارائه داشتم. اما این ها ناگهانی و با شتاب موضع بدل کردند و خود را کاندیدای ریاست جمهوری اعلان نمودند من بر این نظر هستم که این تصمیم های شخصی نمی تواند جوابگوی چالشهای وضع کنونی باشد ، ص۶



استادربانی در مجلس گرامی داشت از دومین سالگرد شهادت الحاج عبدالقدیر:

روح شهدای عزیز ما زمانی شاد خواهد بود که در راه تحقق آرمان شان بکوشیم



دومین سالگرد شهادت شخصیت جهادی کشور، حاجی عبدالقدیر معاون ریاست دولت ووزیرفوائد عامهٔ دولت مؤقت، به روز پنجشنبه گذشته هشتم اسد در تالاروزارت امور داخله برگزار گردید. دراین محفل حامدکرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان ، معاونان ریاست دولت ، اعضای کابینه ، رهبر جهاد و مقاومت استاد ربانی، شخصیت های جهادی و صد هاتن از دوستداران آن فقید شرکت کرده بودند. درقسمتی از این مجلس استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت افغانستان نیز صحبت نمود که از نظر خوانندگان می گذرد:

الحمد لله وکفی وسلام علی عباده الذین أصطفی. امابعد.

برادر نهایت عزیز حاجی دین محمد، خانوادهٔ شهید بزرگوار حاجی عبدالقدیرحاضرین مجلس! السلام علیکم ورحمه الله و برکاته

دومین سالگرد شهادت برادر عزیز ما حاجی عبدالقدیر امروز در حالی برگزار می گردد که کشور عزیز، ملت قهرمان و مجاهد ما در شرایطی نوین از حیات سیاسی خود و در آستانهٔ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و شورای ملی قرار دارد. البته شرایطی که اکنون درکشور ما حاکم است به سادگی به میان نیامده است. اگر ماامروز دولت ونظام داریم ویا قانون اساسی داریم ، اگر جامعهٔ جهانی متوجه ماشده است ویا اگر امروز امید های ملت ما جوانه زده ویاهم در انتظار فردایی بهتر هستیم همه و همه دست آوردها و محصول خون های پاک فرزندان عزیز این کشوراست. امروز در دومین سالگرد یک تن از این فرزندان عزیز نشسته ایم. ماقهرمانان بزرگی ، فرزانه فرزندان بزرگی را درکشور شهید دادیم، مانند احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور ویاران بزرگوار او الحاج عبدالقدیر، الحاج عبدالحق وده ها، صدها و بلکه هزارها شهید دیگر که در راه دفاع از دین ص۵

طنز تلخی است دگرباره فراموش شدن!

ص۵

نامزد های ریاست جمهوری وارد صحنهٔ مبارزات انتخاباتی شدند

• دکتر عبدالستار سیرت:

عمده ترین اهداف من عدالت، امنیت و ایجاد حکومتی است که داغ دست نشاندگی برجبینش نباشد

• دکتر عبدالحلیم تنویر:

نقطهٔ برجسته یی راکه در خط مشی خود باید بیان کنم آشتی ملی است

اگر چه چند روزی دیگر باقی است تا مبارزات انتخاباتی نامزد های ریاست جمهوری رسماً آغاز شود اما از همین اکنون برخی از کاندیداها وارد صحنهٔ کاروزار انتخاباتی شده و به توضیح برنامه های شان پرداخته اند. چنان که آقای دکتر عبدالستار سیرت روز دوشنبه۱۲ اسد سال روان طی یک نشست خبری در سالن بین المللی مطبوعات وزارت اطلاعات وفرهنگ نامزدی خویش را برای احراز مقام ریاست جمهوری رسماً اعلام کرد، و عمده ترین اهداف خود را تأمین عدالت، امنیت وایجاد حکومتی عنوان نمود که باید داغی از دست نشاندگی و وابستگی بر پیشانی خویش نداشته باشد؛ حکومتی که در سایهٔ فرمان روایی آن هر شهروند افغانستانی احساس آرامش واطمینان کند.

آقای سیرت بااشاره به نامزدی برخی از شخصیت هایی که در ادارهٔ مؤقت وپس از آن در دورهٔ انتقالی در نظام، نقشی اساسی داشته اند، گفت: ص۷

در آستانهٔ انتخابات رسانه ها چگونه باید کار کنند؟

دیروز سه شنبه ۱۳ اسد دفتر یوناما در کابل نشستی را بامشارکت شماری از مدیران مسؤول روزنامه ها ونشریه ها ومؤسسات رسانه یی سازمان داد تا راهکارهایی را جهت تشکیل یک کمیسیون نظارت بر رسانه ها در هنگام انتخابات به بررسی بگیرند.

هریک مانویل سخنگوی دفتر یوناما وانجینیر قطب الدین عضو دفتر مشترک تنظیم انتخابات و یک کارشناس بین المللی در امور انتخابات پیرامون مسائل تشکیل این کمیسیون سخن گفتند وسپس برای توضیح بسیاری از ناشکافته های این نیاز پرسش وپاسخ صورت گرفت. ص۵

دولت ها بحران زدایند نه بحران زا

ص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

فرهنگ مبارزات انتخاباتی

روز ۲۰ اسد از سوی دفتر مشترک انتخابات آغاز مرحلهٔ مبارزات انتخاباتی برای کاندیداهای ریاست جهوری تعیین شده است. این مرحله مدت ۳۲ روز را در بر خواهد گرفت. به تعداد ۲۳ تن یا کمتر از این شمار کاندیداها وارد عرصهٔ مبارزات انتخاباتی خواهند شد.

انتخابات که به عنوان یک پدیدهٔ نو سیاسی در زندگی جامعهٔ ما برای نخستین بار به تجربه گرفته می شود باید مواظب بود که در همه پهلو ها با ملحوظ داشتن ارزشهای فرهنگی جامعه در سیمای یک راهکار متین و راه گشا تبارز کند و خدای نخواسته خود عامل بروز تا هنجاری دیگر نگردد.

این مأمول وقتی دست یافتنی می شود که همهٔ کاندیداها و هواداران آنان وهمهٔ نهاد ذی علاقه در کار روند برگزاری انتخابات به آداب و فرهنگ انسانی و مهذب مبارزات انتخاباتی التزام ورزند.

یکی از فلسفه های مهم برگزاری انتخابات احترام نهادن به اراده و خواست مردم در زمینهٔ تعیین سرنوشت اجتماعی آنان است که خود این حق از کرامت وشرافت ذاتی آدمی منشأ می گیرد، لابد تلاش در جهت به دست آوردن این حق نباید سبب ضایع شدن حقی دیگر در جامعهٔ شود.

به عرض وکرامت افراد در اثنای مبارزات انتخاباتی باید از سوی همگان چه افراد و چه نهادها حرمت نهاده شود، اگر رعایت این آداب امروز در جهان دارای نظامهای سیاسی مبتنی بر دموکراسی لازمی پنداشته می شود رعایت آن در فرهنگ کهن دینی ما از اهم واجبات به شمار می آید؛ دروغ گفتن و تهمت بستن و افتراء کردن وسباب و دشنام دادن ولو در باب دشمنان از کبایر گناهان حساب شده است که به هیچ روی نمی توان به آن ها پرداخت.

بی تردید مبارزات انتخاباتی در برخی از موارد کاندیداهای ریاست جمهوری را در برابر هم قرار می دهد، در این جا لازم است کاندیداها وحامیان آنان به جای پرداختن به طعن و قدح همدیگر به نقد منصفانه برنامه های یک دیگر و تبیین خلل و عدم کار آیی آنها بپردازند و کار کرد های گذشته هر یک را به میزان عدل و انصاف بسنجند رقابت در انتخابات موجب انکار ورزیدن خوبیهای رقیب نگردد چنان که قرآن کریم می گوید: (ولایجرمنکم شنئآن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی) 'دشمنی گروهی شما را وادار به این نسازد که عدالت را رعایت نکنید، داد گری کنید که داد به تقوی نزدیکر تر است'

این ارزشها را می شود با ابزار های گونه گون درجامعه رسوخ داد؛ به وسیلهٔ مطبوعات و رسانه ها و همچنان به وسیله نهاد های ویژه مانند کمیسیون نظارت بر برگزاری عادلانه ومنصفانهٔ انتخابات.

اگر کار کمیسیون برگزاری انتخابات از آغاز از دایرهٔ اثر دولت در این مرحلهٔ گذار به دور می ماند از شائبهٔ شک مصؤون تر می بود و کار آیی آن در این عرصه ها بهتر.

به هر حال با رعایت این ارزشها و موازین می توانیم به نهادینه کردن فرهنگ سالم انتخابات یاری برسانیم وبه آن سیمای مهذب اسلامی بخشیم.

مجاهدین و اصلاحات

محمدنسیم فقیری

سال های طولانی جهاد مسلحانه در راه دفاع از عقیده، ناموس، مردم ومیهن موجب گردیده است تاحین صحبت از جهاد ومجاهد فقط جهاد مسلحانه و فرد مسلح در ذهن آدمی تداعی گردد. در حالی که حتی در دوران جهاد مسلحانه بحث های جهاد فکری، سیاسی، فرهنگی، جهاد بانفس، شهوات، زر اندوزان، تجمل دوستی، خودخواهی و قدرت طلبی مطرح بود و بر ضرورت آن تأکید می گردید.

همچنین قابل پیش بینی بود و در مطبوعات جهادی و محافل وسخنرانی ها گفته می شد که بالآخره روزی جهاد مسلحانه به پایان می رسد و زمان تشکیل حکومت، بازسازی ونوسازی ومبارزات سیاسی فراخواهد رسید و شکل جهاد ومصروفیت مجاهد تغییر خواهد کرد. جهاد ومبارزات سیاسی -جهت تحقق اهداف جهاد مسلحانه و آرمان شهدا- جاگزین جهاد مسلحانه خواهد گردید و امروز آن زمان فرار سیده و کشور وجامعهٔ ما جداً نیازمند اصلاحات وسامان دهی عرصه های مختلف زندگی می باشند.

از آن جایی که مجاهدین در تحولات و رویدادهای چند دههٔ اخیر دارای نقش مهم ومحوری بوده اند پس در دوران بازسازی واصلاحات نیز کار وعملکرد آنان حایز اهمیت اساسی می باشد.

در این دوران، مجاهدین با چالش های جدی ومختلف مواجه می باشند و می توان آن را در سه زمینه محدود وخلاصه نمود:

۱- اصلاحات نظامی
۲- اصلاحات اداری
۳- اصلاحات حزبی

با پایان جهاد مسلحانه و تشکیل حکومت مجاهدین، لازم بود تا در زمینه های یاد شده یی اصلاحات به عمل می آمد ولی به دلیل مداخلات خارجی و آشوب های داخلی، امکان آن فراهم نگردید و در سال های مقاومت نیز به دلیل شرایط خاص آن زمان به این امور پرداخته نشد ولی پس از انتقال قدرت وتشکیل ادارهٔ مؤقت و دولت انتقالی باید به گونه یی جدی، اصلاحات مذکور عملی می گردید و هنوز هم فرصت هایی در اختیار است تا جهت زنده نگهداشتن آرمان ها و ارزش های جهادی وحضور نیرومند مجاهدین در صحنه های مختلف حیات سیاسی واجتماعی، اصلاحات اساسی باکمال تعهد واخلاص و باحسن نیت وحتی دلسوزی به خود وجامعهٔ خویش، آغاز وادامه یابد.

۱- اصلاحات نظامی:

دربحث های «مجاهدین وگذار از تنظیم های جهادی به احزاب سیاسی» و «مجاهدین و خواست زمان» در شماره های گذشته گفته شد که ما وارد مرحلهٔ جدید گردیده ایم و به دلیل این که هر دو مرحله دارای شرایط، ظروف وامکانات خاصی می باشد و افراد با آن شرایط وخصوصیات عادت می گیرند، بنا بر این بسیار مشکل خواهد بود که خود را باشرایط جدید وفق بدهند.

گفتیم که در دوران جهاد مسلحانه همه افراد مسلح وهمه فرماندهان، منسوب به تنظیم های جهادی بودند وبیش از هشتاد در صد کار تنظیم ها را نیز امور نظامی تشکیل می داد. اکثر قوماندانان جهادی توسط مجاهدین، مردم و یا توسط زور وداشتن سلاح وامکانات به این مقام دست می یافتند وکمتر کسی از مرکز ورهبری تنظیم به این سمت گمارده می شد. گرچه همه تنظیم ها دارای حساب و کتاب و دفتر و دیوان بودند وبعضی تنظیم ها تشکیلات بیشتر دولتی نیز داشتند ولی نظر به شرایط خاص آن زمان، نمی توان از تنظیم و تشکیلات اساسی در بخش نظامی صحبت نمود.

به طور کلی تفاوت های جدی واساسی این دو دوره (جهاد مسلحانه وحکومت) وضرورت تطبیق اصلاحات را می توان چنین خلاصه نمود:

۱- فرد مسلح- اعم از قوماندان ومجاهد عادی- عضو مهم یک تشکل نه تنها غیر دولتی بلکه ضد دولتی بود واکنون فقط می تواند سرباز وعسکر دولت باشد و نباید در احزاب عضویت داشته وکار حزبی نماید.

۲- قوماندان مجاهد، حاکم منطقه نیز بود ومطابق امر ونهی او اجراآت صورت می گرفت ولی اکنون وظایف وصلاحیت های قوماندانان وصاحب منصبان در تشکیلات نظامی دولتی تعریف شده وهرگز اجازه ندارند که در امور ملکی دخالت نمایند.

۳- افراد مسلح به دسته ها وگروه های مختلف وحتی متخاصم ارتباط داشتند و از مراکزی متعدد دستور می گرفتند ولی امروز هم باید متعلق به یک دولت و یک مرکز بوده و با حفظ سلسلهٔ مراتب عسکری، مطابق مقررات باید خدمت نمایند.

در آن زمان هرگاه با تنظیم و یا جبهه یی مشکل می داشتند به جبهه وتنظیم دیگری می پیوستند ولی اکنون بیشتر از یک انتخاب را ندارند و آن دولت است.

۴- سلاح ومهمات وخرچ ومصرف همه به صورت یکسان و از یک منبع واحد باید داده شود وهمه یونیفورم واحد باید داشته باشند.

۵- در دوران جهاد اکثریت قاطع قوماندان ها در مناطق خودشان مشغول جهاد بودند وکمتر اتفاق رخ داده است که یک قوماندان در منطقه یی دیگر خدمت کرده باشد ولی اکنون طبق صواب دید دولت به هر نقطهٔ کشور که لازم دیده شود، اعزام می گردند. امروز تشکیل اردوی ملی و پلیس ملی، خلع سلاح عمومی ومتوازن وحاکمیت حکومت مرکزی ازضرورت های جدی واساسی کشورماست.

دولت باید زحمات وجان نثاری های مجاهدین در دوران جهاد ومقاومت را به دیدهٔ قدر بنگرد و آنان را که مهم ترین متخصصان وجنگ آوران با تجربهٔ میدان نبرد و دفاع از ازادی وتمامیت ارضی کشوراند، در صنوف اردوی مسلح تنظیم نماید و در مقابل، مجاهدین وقوماندانان سابقه دار جهادی نیز باید دراصلاحات نظامی پیشگام باشند. اصول ومقررات را رعایت نمایند و از مداخله در امور ملکی بپرهیزند و با نهادهای دیگر همکاری داشته باشند.

۲-اصلاحات اداری

اساس اصلاحات اداری، شایسته سالاری و سپردن کار به اهل آن است. مجاهدینی که در رأس ادارات قرار دارند به این اصل عمل نمایند. گرچه در سال های جهاد تعدادی از تنظیم ها دارای تشکیلات شبه دولتی بودند و به جز از بست و رتبه وترفیع وتقاعد، متباقی امور در بخش های اداری، مالی وخدماتی مطابق طرزالعمل های معمول اجرا می گردید ولی به دلیل این که طبیعت کار در یک تنظیم وکار در دولت از هم فرق دارد و در آن زمان عضویت ومأموریت در تنظیم باهم بودند. بنابرین اکنون یک شخص می تواند عضو یک حزب ولی در عین زمان مأمور دولت باشد وتابع مقررات جداگانه!

مجاهدین باید بکوشند که نمونه ها ومثال های برجستهٔ مدیریت خوب در دولت باشند وکاملاً مقررات را رعایت نمایند. در استخدام وگزینش افراد باید به اصل شایستگی توجه داشته باشند تا نسبت های خانوادگی، محیطی، سمتی وزبانی وحتی گروهی وافراد شایسته را هرچند متعلق به گروهی دیگر نیز باشند، جذب واستخدام نمایند.

> **مجاهدین باید بکوشند که نمونه ها ومثال های برجستهٔ مدیریت خوب در دولت باشند وکاملاً مقررات را رعایت نمایند. در استخدام وگزینش افراد باید به اصل شایستگی توجه داشته باشند تا نسبت های خانوادگی، محیطی، سمتی وزبانی وحتی گروهی وافراد شایسته را هرچند متعلق به گروهی دیگر نیز باشند، جذب واستخدام نمایند.**

مجاهدین باید از زمینه ها وامکانات قانونی، مانند بورس های تحصیلی وتحقیقاتی استفاده نمایند.

مجاهدین باید برخوردی خوب وشایسته بامراجعلان داشته باشند واز هرنوع فساد اداری به ویژه رشوت اجتناب نمایند.

اصلاحات اداری وعملی شدن آن توسط مجاهدین یکی از عمده ترین راه های حفظ آبروی جهاد ومجاهدین می باشد.

۳- اصلاحات سیاسی وحزبی

گفته شد که تنظیم های جهادی در شرایط خاص مصروف جهاد بودند ومسائل نظامی، اداری وتنظیمی کاملاً باهم آمیخته وجدایی ناپذیر بود ولی اکنون و در شرایط جدید و با نفاذ قانون اساسی وقانون احزاب باید مجاهدین خود را با وضعیت جدید وفق بدهند. مجاهدین باید طبق اصول خویش به شورا ومشوره اهمیت بدهند و ساختار تشکیلاتی خود را مطابق شرایط ونیاز زمان عیار سازند.

آخرین سخن این که کشور وجامعهٔ ما جداً نیازمند اصلاحات وسیع و دامنه دار در همه عرصه ها به ویژه در ساحات نظامی اداری وسیاسی واین اصلاحات جهت سازندگی وپیشرفت کشور یک ضرورت اجتناب ناپذیر می باشد. پس چه بهتر که مجاهدین آغاز گر وپیشگام این اصلاحات باشند.

دولت ها بحران زدایند نه بحران زا

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

بدون شک یکی از اساسی ترین شاخصه های عصر کنونی همانا، بحران سالاری در همه عرصه های زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... می باشد.

این بحران سالاری می تواند در دوعرصه مورد مداقه وتوجه قرار گیرد ، یکی تحت عنون بحران آفرینان و دیگری قربانیان بحران که بدبختانه افغانستان هم- بنا به عواملی زیاد- در جمع قربانیان بحران قرار گرفته است.

اکنون میان افغانستان و بحران چنان تلازم بر قرار است که با یاد نام افغانستان بحران تداعی می شود ونام بردن از بحران افغانستان را در خاطره ها می اندازد .

تحولات اخیر در افغانستان که بر بنیاد بحران زدایی وتأمین ثبات واستقرار امنیت شهرت یافته بود، اگر در راستای تحقق این مأمول نتواند گام هایی مؤثر بردارد-که تاهنوز نبرداشته است- به یقین، آن کشش وجذابیت وگیرایی را که در آغازین روزهای ولادت و زایمان خود داشت، از دست داده و با گذشت هر ماه و سال رنگ خود را می بازد.

شکی نیست که درکشور ما محورهای بحران آفرین زیاد تر از آن است که تصورش می رودو تندبادهایی که بر حجم بحران می افزایند از ورای مرزها نیرو گرفته و به حرکت درآمده اند.

بحران هایی که خاستگاه آن ها را منافع شخصی، گروهی، قبیله یی و عداوت هاتشکیل می دهد جوانه زده از دهه های بحران می باشد.

هرگز نمی توان انکار کرد که درمیان مجاهدین هم هستند کسانی که عملکردهای سودجویانهٔ آنان منجر به آن شده است که بحران هایی در سطوح مختلف رونما گردد. اما حواله کردن برف همه بام ها بر بام مجاهدین ونیروهای جهادی و هر بحرانی را به نام آنان ربط دادن - طوری که در این روزها رایج شده است- جز این که یاوه سرایی و ژاژ خایی و بازتاب دهندهٔ کینه های دوران بحران برضد مجاهدین باشد، نمی توان برای آن حسابی دیگر باز کرد.

آنچه بیشتر از همه جلب توجه می کند وعلاقه مندان قضایای جاری کشور را به خود مشغول کرده است همانا عملکردهای ناعاقبت اندیشانهٔ ناخدایان کشتی توفان زدهٔ این ملت بلاکشیده است که نقش بس بارزی را در بحران های اخیر کشور بازی کرده اند که اینک به برخی از این موارد به گونه یی فشرده انگشت می گذاریم :

۱- تبلیغات غیر مسؤولانهٔرسانه های دیداری وشنیداری وگفتاری دولتی، برضد مجاهدین و آن هم توسط عناصر کلیدی وزارت اطلاعات وفرهنگ نه تنها بحران آفرین بوده است بلکه سنگری داغ وسکویی برای پرسش های عقده گشایانهٔ افراد و گروه هایی گردیده است که می خواهند عقده های محرومیت خویش از شرکت در درد و آزمون بزرگ دفاع از دین ومیهن ونوامیس ملی را از طریق این رسانه ها، بگشایندکه پیامدهای آن را هیچ کس نمی تواند نادیده انگارد.

۲- باوصف همه صراحت های آشکار مواد مندرج در قانون اساسی در پیوند به رعایت احکام شریعت اسلامی در همه عرصه ها، اجازهٔ فعالیت های سیاسی و گروهی برای افراد کلیدی جریان های دین ستیز وعاملان اصلی وضع کنونی وجاده صاف کنان ارتش اشغالگر شوروی سابق، خود زمینهٔ دیگری است برای بروز کشمکش ها وبحران های افرادی که ضربه های حرکت های مزدورانهٔ آنان را تاهنوز هم ملت ما باگوشت و پوست خود لمس می کند.

۳- اظهارات اخیر آقای کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان که جنگ سالاران را بد تر از طالبان عنوان کرده است، خود چالشی دیگر در برابر نیروهای جهادی است نیروهایی که برخلاف منطق حاکم در تاریخ سیاسی افغانستان که بهای از دست دادن قدرت را تنها خون عنوان می کند، با پیشانی باز، دست به انتقال قدرت زدند، تا به همه دیوانگان

اساساً فلسفهٔ وجودی دولت ها را بحران زدایی تشکیل می دهد نه بحران زایی، مشروعیت ها هم جز این که از همین راه تأمین شود، راهی دیگر نمی توان برای آنان سراغ کرد.

قدرت وشیفتگان این عروس هزار داماد، نشان داده باشند که هدف نهایی این همه حماسه آفرینی نیروهای رهایی بخش این وطن ومجاهدین، تکیه زدن بر اریکهٔ قدرت وپا زدن برباور و ناز ونیاز های ملی نیست، بلکه آوردن امن وثبات وفراهم آوری زمینه های خودسازی ملی در همه عرصه ها والاترین هدف آنان در این ایثارها وقربانی ها بوده وهست.

پرسش اساسیی که اکنون در اذهان احاد ملت وهمه جهادگران راه آزادی ودفاع از هویت ملی نقش بسته این است که: آیا زمامداران دولت و آن هایی که سرنوشت امروز وفردای ملت در گروتصامیم وبرنامه های امروزین آنان رقم می خورد، آگاه هستند که همچو موضعگیری ها چه پیامدهایی را باخود دارد؟ آیا موضعگیری هایی از این طراز را نمی توان فشاری بر دگمه های بحران تلقی کرد؟ تاریخ دولت مداری های توان مند چه در گذشته های دور و چه در دوران کنونی گویای این حقیقت است که عناصر کلیدی در یک نظام، همواره در جستجوی محورهای ثبات گستری وامن آفرینی بوده وهرگز گذار از خطوط قرمز در زندگی ملت خود را به خاطر استمرار حاکمیت، در مخیله جای نمی دهند و دفاع از منافع ملی و دوری از دامن زدن به آتش های زیر خاکستر وجمع آوری مرده ریگ های جریان های تاریخ زده، به خاطر ایجاد دیوارهای ریگی در برابر نیروهای برخاسته از متن ملت، خطوط اساسی کاری آنان را در برقراری ثبات ملی تشکیل می دهد.

اساساً فلسفهٔ وجودی دولت ها را بحران زدایی تشکیل می دهد نه بحران زایی، مشروعیت ها هم جز این که از همین راه تأمین شود، راهی دیگر نمی توان برای آنان سراغ کرد.

آقای کرزی با راه اندازی همچو کارهای ناعاقبت اندیشانه وبحران زا نه تنها مرهمی بر زخم های ناسور این ملت نمی گذارد بلکه موجب بحران هایی دیگر خواهد شد که زخم های کهنه را تازه خواهد کرد.

رمز تداوم نظام ها در درازای تاریخ در تشخیص نیازهای واقعی ملت ها وتوده ها وتدارک محورهایی نهفته است که در گرم و سرد روزگار با ملت بودند و ملت بر محور آنان می چرخید.

وجود افکار واندیشه های مخالف در جوامع مختلف انسانی امری است طبیعی که نظام ها باید از اقدام های سرکوب گرانه در برابر آنان جلوگیری کنند. اما میدان دادن به همچو افکار واندیشه به حیث یک چالش در برابر ارزش های پذیرفته شدهٔ یک ملت جز این که دامن زدن به آتش بحران و یا به اصطلاح دست زدن به دم شیر باشد، تعبیری دیگر نخواهد داشت.

حال که آقای کرزی بار دیگر خود را کاندیدای ریاست جمهوری اسلامی افغانستان کرده است، باید از همین حالا در سیاست بحران آفرینی خود تجدید نظر نماید و با درس از گذشتهٔ دولت مدار خویش سعی به خرچ دهد که سیاست بحران زدایی را جاگزین سیاست بحران زایی نماید و امور امروز مملکت را در پیوند با گذشتهٔ پر افتخارآن به پیش برد و بربنیاد آن آینده یی شگوفا ومطمئن را پی ریزی نماید و از گفتارها وکردارهای بحران آفرین جلوگیری کند، زیرا گفتار وکردار زمامداران همان گونه که ضرب المثل عربی می گوید: «سخن شاهان شاه سخن هاست» سندی است برای افرادی که در عرصه های تعمیر و تخریب وطن کار می نمایند.

همین سخن چند روز قبل آقای کرزی که "جنگ سالاران بدتر از طالبان اند"، امروز در رسانه های ضد جهاد ومجاهد چنان تأثیر افگنده است که طالبان را با همه سیاست های نژادگرانه وزمین سوزد شان فرشته های صلح قلم داد می کنند وراستین فرزندان دفاع از دین ومیهن را به حیث اشخاص ویرانگر.

وحرف آخر هم این که سیاست بحران آفرینی از هرکس وهر جریانی که باشد، رخ دیگر همان سکهٔ سیاست تفرقه افگنی وحکومت کردن است که ملت ما در تاریخ سیاسی واجتماعی خویش ضربه های مرگبار آن را در همه عرصه های حیات خویش تحمل نموده است.

مردم میل ندارند رئیس جمهور را انتخاب کنند

جلال گردیزی

دولت انتقالی اسلامی افغانستان در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری ملت را در برابر یک بازی دشوار و پر پیچ سیاسی قرار داده است.

همه می دانیم که این انتخابات، نخستین انتخابات در تاریخ افغانستان است، هنوز مردم از روند انتخابات و اهمیت انتخاب رئیس جمهور واعضای پارلمان آگاهی کافی ندارند ودولت بااستفاده از این فرصت و با به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی دست به فریب ملت زده است. در حالی که این عمل دولت برخلاف مادهٔ یک صد وشصتم قانون اساسی می باشد.

علاوه به آن نبود پارلمان تا سال آینده باعث رکود تمام فعالیت های اقتصادی وسیاسی کشور می شود، اگر دولت در هر بخشی از زندگی مردم افغانستان کوچک ترین اقدامی کند، برخلاف قانون ونظر پارلمان خواهد بود. فهمیده نمی شود که بیست و نه وزارت به اساس چه کار خط مشی و کدام رأی اعتمادی کار خواهد کرد، و یا قوهٔ قضائیه بدون منظوری پارلمان مملکت چه صلاحیتی خواهد داشت. این ها پرسش هایی است که باید دولت انتقالی اسلامی آن را جواب دهد، در غیر آن نه تنها بالای حقوق مردم و رأی ملت پاگذاشته می شود، بلکه دولت آب در هاون می کوبد، وبه اعتماد مردم را قصداً زیان می رساند و موجب جدایی ملت از دولت می شود. برای این که دولت خود را از بحران دوری ملت نجات بدهد و مشروعیت کمایی کند در طرز تفکر خود باید تجدید نظر کند و انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی را در یک وقت و زمان اعلان کند. در این صورت یقین داریم که دولت در بین ملت جایگاهی خوب کسب خواهد کرد.

سودان در خطر تحریم های شدید شورای امنیت

شورای امنیت در نشست اول ماه اگست خویش با صدور قطع نامهٔ شماره ۱۵۵۶ مهلت یک ماهه یی را برای سودان تعیین نمود تا در خلال آن اقدامات جدی را در جهت پایان دادن به وضعیت اسفناک حقوق بشر در دارفور روی دست بگیرد، خلع سلاح ملیشه های عرب جنجاویت و محاکمهٔ کسانی که به نقض حقوق بشر، نسل کشی وجرایم جنسی علیه سیاه پوستان ساکن دارفو متهم اند، در این قطع نامه خواسته شده است ۱۳ کشور از جملهٔ ۱۵ عضو شورای امنیت به این قطع نامه رأی موافق دادند. دو کشور چین و پاکستان که روابط گستردهٔ تجارتی با سودان دارند رأی ممتنع ابراز نمودند. این دو کشور خواهان نرم شدن بیشتر مواد قطع نامهٔ پیشنهادی اروپا بودنددر حالی که برخی کشورها با اتخاذ مواضع تندی خواهان اقدام نظامی علیه سودان گردیدند.

شورای امنیت به دبیر کل سازمان ملل وظیفه سپرد تا در خلال یک ماه از عملکرد دولت سودان ذز جهت تطبیق مفاد قطع نامه گزارشی به این شورا تقدیم نماید. در صورتی که خرطوم نتواند مفاد قطع نامهٔ شماره ۱۵۵۶ را تطبیق کند، شورای امنیت وضع تحریم های اقتصادی شدید را علیه این کشور مورد بحث قرار خواهد داد .

در دارفورد ولایت غربی سودان از یک سال بدین سو، میان عرب هایی که از حمایت ارتش سودان برخوردار هستند و باشندگان بومی افریقایی تبار این منطقه که مسلمانند تشنجات شدید وجنگ هایی خونین به میان آمده است. عرب ها به کشتار وسیع سیاه پوستان دست زدند که در نتیجه ده ها هزار نفر کشته شده و بیشتر از یک میلیون نفر به کشورهای همسایه، آواره گردیدند. سازمان ملل با محکوم کردن دولت سودان وملیشه های جنجاویت، بحران دارفور را فاجعهٔ بشری سال خوانده است. سودان در دو دههٔ گذشته درگیر جنگ داخلی است که میان دولت وشورشیان مسیحی افریقایی تبار جنوب جریان دارد. با امضای سازشنامهٔ صلح میان خرطوم و جبههٔ آزادی بخش سودان به رهبری جون کرنگ در سال جاری میلادی، راه حل مسالمت آمیز برای این جنگ به دست آمد.

دولت صبح

مصرع راغی

ایمن مشو ز دولت پادر رکاب صبح
یک پرزدن دورنگ نداردشتاب صبح
چون خط شناس فیض توان شددبیرشوق
یک نقطهء سواد ندارد کتاب صبح
ابرسفیداین همه باران نداشت چیست
شدسبزباغ ازرشحات سحاب صبح
سرکرده ام بجیب تفکرچه غنچه عرض
دل تنگی مرا که کندبرجناب صبح
غفلت نتیجهء اثرپیری است بس
عنقاست آنکه دل بسپارد به خواب صبح
شددرصفای عارض اوخال مضمحل
گرددبلی ستاره نهان درحجاب صبح
شبنم نبود ازامل طعمهء لذیذ
تاخواست نان شیرخورد ریخت آب صبح
ازشبنم ونسیم بسوزدصفیر دل
گرغیراشک آه نگردید باب صبح

باغ آیینه

شاملو

چراغی به دستم، چراغی در برابرم:
من به جنگ سیاهی می روم
گهواره های خستگی
از کشاکش رفت و آمدها
باز ایستاده اند،

وخورشیدی ازاعماق
کهکشان های خاکستر شده را
روشن می کند.

فریاد های عاصی آذرخش -
هنگامی که تگرگ
در بطن بی قرار ابر
نطفه می بندد.

و درد خاموش وار تاک -
هنگامی که غورهٔ خرد
درانتهای شاخسار طولانی پیچ پیچ جوانه
می زند.

فریاد من همه گریز از درد بود
چرا که من،دروحشت انگیزترین شب ها،آفتاب رابه دعایی
نومیدوار طلب می کرده ام.

●●●

تو از خورشیدها آمده ای، از سپیده دم ها آمده ای
تو از آینه ها و ابریشم ها آمده ای.

●●●

در خلئی که نه خدا بود و نه آتش
نگاه واعتماد ترا به دعایی نومیدوار طلب کرده بودم.
جریانی جدی
در فاصلهٔ دومرگ
در تهی میان دو تنهایی -
نگاه واعتماد تو، بدین گونه است!

●●●

شادی تو بی رحم است و بزرگوار،
نفست در دست های خالی من ترانه وسبزی است
من برمی خیزم!
چراغی در دست
چراغی در دلم.
زنگار روحم را صیقل می زنم
آینه یی برابر آینه ات می گذارم
تا از تو
ابدیتی بسازم.

دوهمراز

پروین اعتصامی

درابگیر سحرگاه بط به ماهی گفت که روزگشت وشنا کرد وجهیدن نیست
بساط حلقه ودامت یکسر این صحرا چنین بساط دگر جای آرمیدن نیست
ترا همیشه ازین نکته باخبر کردم ولیک، گوش ترا طاقت شنیدن نیست

هزار مرتبه گفتم که خانهٔ صیاد مکان ایمنی وخانه برگزیدن نیست
من از میان بروم چون خطر شود نزدیک توچون کنی که ترا قدرت پریدن نیست
هزار چشمهٔ روشن هزار برکهٔ پاک بهای یک رگ و یک قطره خون چکیدن نیست
به گفت منزل مقصود آنچنان دو است که فکر کوته ما را بدان رسیدن نیست
هزار رشته بر این کارگاه می پیچند ولی چه سود، که هر دیده بهر دیدن نیست
زخرمن فلک ایدوست، خوشه ای نبری که غنچه وگل این باغ بهر چیدن نیست
اگر ز آب گریزی بخشکیت بزنند ازین حصار کسی را ره رهیدن نیست
به پرتگاه قضا، مرکب هوی وهوس سبک مردان که مجال عنان کشیدن نیست
بپای گلبن زیبای هستی این همه خار برای چیست اگر از پی خلیدن نیست
چنان نهفته وآهسته می نهند این دام که هیچ فرصت ترسیدن و رمیدن نیست
سموم فتنه، چوباد سحر گهی نوزد بجز نشان خرابی در آن وزیدن نیست
چومن به خاک تپیدم تو سوختی بشرار دگر حدیث شنا کردن وچمیدن نیست
براه گرگ حوادث شبان به خواب رود چو خفت گله چه داند گه چریدن نیست
برید و دوخت قبای من و تو درزی چرخ زهم شکافتن وطرح نوبریدن نیست
متاع حادثه روزی بقهر بفروشند چه غم خورند که ما را سپر خریدن نیست

در تحمل نکردن زور

ملک الشعرا بهار

در رویه زیر نیش مار خفتن
سه پشته روی شاخ مور رفتن

تن روغن زده با زحمت وزور
میان لانهٔ زنبور رفتن
به کوه بیستون بی ره نمایی
شبانه با دو چشم کور رفتن
برهنه زخمهای سخت خوردن
پیاده راه های دور رفتن
میان لرز و تب با جسم پر زخم
زمستان توی آب شور رفتن
به پیش من هزارن بار بهتر
که یک جو زیر بار زور رفتن

فلکلوریکه کیسه

خپل عمل دلاری مل دی

ش - زیارمل

واني په کوه طورکي موسي علیه السلام پاک الله ته عرض وکړ، چي دخپل انصاف او عدالت یوه بیلکه ورته وښيي، الله پاک ورته وفرمایل: دهغه کوز غره چینې ته لاړ شه، هلته یوه ګوښه کي غلي کښینه او ددي چیني ننداره کوه، چي هلته څه پیښیږي، موسي علیه السلام هلته لاړ او دچیني ترڅنګ په یو پټونځای کي کښیناست وکوري چي څه پیښیږي.

لږه شیبه وروسته یو سړي دچیني خواته راغي، له خپلي ملاڅخه ئي د روپو ډکه همیانۍ را خلاصه کړه او هلته ئي کیښودله، په اوبوئي لاسونه اومخ ووینځل، په دواړو لاسونوئي اوبه وڅښلي، دمه ئي جوړه کړه او بیائي خپله لاره ونیوله، خو د روپو همیانۍ ئي له یاده ووتله او هلته تري پاتي شوه.

لږ وروسته یو بل خلمي هلک، و اوبو څښلو له پاره، د چیني په غاړه کښیناست، ګوري چي همیانۍ ئي خوا کي پرته ده، هغه ئي را واخیسته او په ډیر تلوار سره ئي خلاصه کړه، وي لیدل چي په هغي کي دهغه وخت پوره زر روپۍ پرتي وي.

هلک زیات خوشحاله شو او خپله د سفر لاره ئي ونیوله، وخت لا ډیر تیرنه و، چي دي چیني ته یو دریمګړي لاروي هم راکښته شو چي ړوند و او داسي ډیر څه ئي په سترګو نه لیدل، د چیني ترڅنګ کښیناست، په دي ترڅ کي هغه اولني سړي چي د روپو همیانۍ تري پاتي شوي وه، ساه نیولي راغي، ړوند ئي کلک پلک ونیو، دهمیانۍ دعوه ئي پري وکړه، ړانده چي هرڅومره قسمونه کول، چي همیانۍ ئي نه ده اخیستي، خو سړي پري باور نه کاوه، بالاخره ئي ړوند و واژه.

په دي وخت کي موسي(ع) دټولو حالاتو ننداره کوله، داهر څه ئي له نژدي نه ولیدل او دغه راز کړو وړوته حیران پاتي شو، دالله(ج) په حضور کي ئي بیا عرض وکړ چي اوس مي ددغو پیښو په اسرارو پوه کړه چي په هغوي کي څه حکمت موجود دي.

الله پاک دجبرئیل په واسطه وویل: کوم هلک چي همیانۍ یووړه، هغه دهغه خپل حق و، ځکه چي ددي هلک پلار د همیانۍ دخښتن مزدوري کړي وه او حق ئ نه و ورکړي.

ړوند له ړندیدو څخه وړاندي، ددي همیانۍ دخښتن پلار وژلي و، هغه هم پرخپل حق ورسید او دخپل پلار بدل ئي واخیست او د دري واړو ترمنځ عدل او انصاف وشو.

نوځکه خو هوښیاران وائي چي څه کري هغه به ریبي. یا خپل عمل د لاري مل دي او یا داچي شاعر ویلي دي:

«داجهان په شان دغره دي زمونږ فعل دي اواز
چي څه وایو هغه اورو هغه دم په هغه راز»

نازولی

خوشحال بابا

نازولی زوی نه اخلی آداب
او دسیوری نخل نه نیسی رطب
وینو مه شه هغه زوی و په خوا پوری
چی ئی نه نیولی درس و ی نه مکتب
په غوجل کی باری خر او کچر ښه دی
نه په خونه کی جاهل او بی ادب
په زړه مهر په خوله قهر ورته بویه
څه ښه وائی چیرته ډب هلته ادب

روح شهدای عزیز ما ...

وطن ، عزت وکرامت و فرهنگ ملت آزاده وسربلند خود خون های پاک شان را ریختندو در سنگرها نشستند. از اثر رشادت ها و جهاد ومقاومت بی دریغ این فرزندان با شهامت بودکه امروز ما کشوری مستقل داریم ما درحالی که به روان پاک همهء شهدای عزیز درود می فرستیم باید بدانیم این مردان بزرگی که اکنون در میان مانیستند اینها کسانی بودند که اندیشهٔ شان آن بود که خودشان نباشند ولی ملت افغانستان عزیز همواره سربلند ومستقل باقی باشد . آنهامی گفتند اگر ما زنده باشیم لیکن ملتی آزاد ومستقل نداشته باشیم ، گویا ما هم

> **در دین ، فرهنگ وتاریخ ما شهیدان عزیز برای همیش زنده اند و همواره در دل وضمیر ملت ما جای دارند**

نیستیم . آنها فکر می کردند اگر ما زنده نباشیم ولی ملتی آزاد وکشوری مستقل داشته باشیم ، ما همیشه زنده هستیم . امروز می بینیم که شهیدان عزیز ما در ضمیر فرد فرد ملت ما زنده اند . اگر آنها می بودند وما کشوری مستقل وملتی آزاده وسربلند نمی داشتیم گویا افغانستان یک قبرستان متحرک می بود، همه به ظاهر زنده بودیم ولی در معنی مرده! امروز بنا بر تعبیر خداوند : (ولاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء ولکن لا تشعرون) آنها نمرده اند.

یقیناً در دین ، فرهنگ وتاریخ ما شهیدان عزیز برای همیش زنده اند و همواره در دل وضمیر ملت ما جای دارند. امروز پدر یک قهرمان ملت ما میرویس صادق در بین ما قرار دارد برادر عزیز ما امیر اسماعیل خان که یکی از چهره های برجستهٔ تاریخ معاصر در عرصهٔ جهاد وامنیت وباز سازی کشور است اینها، فرزندان آنها،یاران وهم سنگران آنها وصدها شخصیت دیگری که مبارزه کردند فکرشان همین بود وهست که ما برای کشور وملت خود هستیم یکی از یاران دیگر شهید عبدالحق وحاجی عبدالقدیر، دکتر عبدالرحمن شهید است که روحش شاد باد! او هم یکی از فرزندانی بود که در پهلوی سایر مجاهدین قرار داشت . این شخصیت ها که حیات شان را فدای وطن ومردم خود ساخته بودند تنها با تدویر اجتماعاتی پر شکوه مانند اجتماع امروزی از مقام آنها تجلیل نمی شود اصلا روح شهدای عزیز ما زمانی شاد خواهد بود وزمانی تجلیل به جایی از آنها به جا آورده ایم که بکوشیم آرمان آنها را در ضمیر خود ودر میدان عمل حفظ کرده باشیم طوری که یاد آنها در دل فرد فرد ماقرار دارد آرمان شان نیزدر ضمیر ما ودر وجدان ملت ما عملا حضور داشته باشد . و مانندی که آنها مظهر وحدت ملی بودند ما هم باید مظهر وحدت ملی کشور باشیم و به همکاری یک دیگر کشور مان را آباد کنیم امروز که ما به یاد آنها نشسته ایم به روح شان دعا می کنیم درست، زمانی روح آنها شاد وخرم خواهد بود که ما اجاره ندهیم هیچ کسی تحت هیچ عنوانی در میان ملیت های افغانستان ودر میان اقوام برادر افغانستان دویی وجدایی ایجاد کند. وکوشش باید بکنیم که ثبات سیاسی به میان آید بعد از پیروزی در کشور بازسازی صورت گیرد پس به خاطر تحقق آرمان های آنها همه تلاش نماییم که در بازسازی کشور سهم بگیریم، یقین دارم که آرزو وآرمان شهدای بزرگ در ذهن وفکروضمیر همهٔ ما وجود دارد وما همه دست به دست همدیگر می دهیم تا آرمان همه شهدارا عملا در حیات ملی، سیاسی واجتماعی پیاده کنیم روح شان شاد ویادشان همیشه گرامی باد!

«گزارشگر: ندیم»

در آستانهٔ انتخابات رسانه ها ...

هدف از تشکیل این کمیسیون از سوی دفتر مشترک تنظیم انتخابات این است که مطبوعات زمینهٔ سهمگیری متوازن ومنصفانه را برای کاندیداها فراهم آورد.

این کمیسیون که قرار است به زودی از سوی دفتر مشترک انتخابات تشکیل شود زمینهٔ دسترسی برای همه کاندیداها را به رسانه های دولتی فراهم می کند وموارد تخطی وتخلف از معیارهای مسلم انسانی را در کار تبلیغات انتخاباتی بررسی وبه محاکم تسلیم می دهد. تشکیل یک چنین کمیسیونی جهت برگزاری یک انتخابات عادلانه وآزاد وعاری از تخطی های انسانی واخلاقی کار بسیار بایسته ولازم به نظر می رسد، این کمیسیون برپایهٔ ارزش های مسلم اخلاقی و پذیرفته شدهٔ قانون اساسی وقانون انتخابات واعلامیهٔ جهانی حقوق بشر کارش را آغاز خواهد کرد.

انجینیر قطب الدین گفت: کاندیداها پس از ۲۰ اسد رسماً اعلام خواهند شد وپس از آن به گونه یی رسمی زمان کمپاین تبلیغات انتخابات فرا می رسد.

طنز تلخی است دگرباره فراموش شدن!

ابوبکر سبزوار

وقتی حدود سه سال قبل با سقوط طالبان جامعهٔ جهانی در کنفرانس بن کمک به بازسازی افغانستان را وعده سپرد، این امیدواری به وجود آمد که دیگر دوران مصیبت افغان ها به سر رسیده و جامعهٔ بین المللی مردم افغانستان را تنها نخواهد گذاشت. در کنفرانس های توکیو و برلین این وعده ها تکرار شد اما اکنون که بعد از حدود سه سال، مردم افغانستان به این حقیقت تلخ مواجه شده اند که از آن همه سروصدا و طمطراق جوامع بین المللی و کشور هایی چون امریکا و انگلستان و وعده های ده ها میلیارد دلار کمک، در عمل چیزی نصیب افغان ها نشده و بیشترینه هزینهٔ بازسازی کشور را سکتور خصوصی به دوش داشته که بخش از آن نیز مدیون تجارت مواد مخدر است. شرکت های خارجی در این میان فقط به فکر پرکردن جیب های خود بوده اند نه خدمت به مردم افغانستان. نمونهٔ آن را ما دربازسازی شاهراه کابل قندهار می بینیم که از افتخارات دوران زمامداری آقای کرزی بود و به قول آقای بشر دوست وزیر پلان هنوز یک سال از اعمار آن سپری نشده که در حال از میان رفتن است.

در شهر کابل و مراکز بعضی از شهر ها رشد روزافزون فحشا و فساد نمایانگر آن است که این ملت نه تنها از نظر مادی چیزی به دست نیاورد بلکه نسل جدید که باید بار بازسازی کشور را شانه های قدرت مند آنان تحمل کند، با چالش جدی زوال ارزش های معنوی مواجه است. نسلی با چنین ضعف، به حدی آمادهٔ مزدور شدن است که حتی حاضر است از همه چیز خود بگذرد. مثال هایی زیاد از این حالت می توان آورد. در جریان محاکمهٔ سه امریکایی به اتهام ساختن زندان شخصی و شکنجهٔ افغان ها، شکنجه شده ها بیشتر از این که از امریکایی ها شاکی باشند از نوکران افغان آنان شکوه و شکایت داشتند که چگونه امریکایی ها را برضد آنان تحریک می کرده اند. این تنها نمونه یی از زوال ارزش های معنوی و ملی در میان نسل جوان ما نیست بل آسیبی است که گسترش می یابد.

در حالی که بازسازی در کشور ویرانی چون افغانستان نیازمند پرسونل فنی و کاردان است،بسیاری ازخانواده ها از فرزندان خود می خواهند تا فقط انگلیسی و کمپیوتر بیاموزند زیرا این دانش سطحی به آنان امکان استخدام شدن می دهد. از صدها ترجمان جوانی که برای خارجیان خدمت می کنند، بیش از نود و پنج درصد آنان از تاریخ کشور خود چیزی نمی دانند. حتی نمی دانند که احمد شاه ابدالی و درانی یک نفر است یا از هم فرق دارند.

نگرانی هایی فزاینده از وضع امنیتی کشور در میان است. برنامهٔ دی دی آر هرچند در تئوری عملی بسیار مثبت است اما با گرفتن سلاح از فرماندهانی که لااقل در مخاصمت با دولت قرار ندارند، ضمانت لازم برای تامین امنیت سراسری در کشور نیست. در بخش اعظمی از ولایات در جنوب، جنوب شرق و جنوب غرب، گروه های مخاصم با دولت فعالیت های نظامی رو به گسترش دارند. ماموران دولت در سفر از طریق زمین به بعضی از ولایات با همان مشکلاتی مواجه اند که کارمندان دولت کمونیستی داشتند. یعنی این خطر که مورد شناسایی قرار گیرند و کشته شوند.

این وضع انتخابات ریاست جمهوری کشور را به چالشی بزرگ فرا می خواند و این خواست روزبه روز اوج می گیرد که باید انتخابات به تأخیر افتد. تأخیر انتخابات به معنی زیر سوال رفتن مشروعیت دولت کرزی خواهد بود.

هرچند حامد کرزی در اجلاس استانبول از ناتو تقاضای فرستادن نیرو

> **ماموران دولت در سفر از طریق زمین به بعضی از ولایات با همان مشکلاتی مواجه اند که کارمندان دولت کمونیستی داشتند**

های بیشتر به افغانستان را نمود اما به نظر نمی رسد که ازدیاد نیرو های ناتو تأثیری ملموس بر اوضاع نابه سامان امنیتی کشور از خود برجا بگذارد.

این نگرانی ها در روزنامه های جهان غرب نیز منعکس شده است. روزنامهٔ اندیپندنت چاپ لندن در شمارهٔ مورخ ۳۰ جولای خویش مطالبی مفصل در این رابطه به نشر رسانیده است. روزنامه ضمن اشاره به وعده های امریکا و انگلستان برای کمک دراز مدت به افغانستان نوشت آنچه که امریکا، انگلستان و دیگر کشور ها وعده داده بودند طوری که لازم بود عملی نگردید. به همین دلیل اکنون افغانستان به مشکلات بزرگ مواجه است. اوضاع نا امن کشور روند ثبت نام رأی دهندگان را به کندی مواجه نموده و همین امر موجب تأخیر برگزاری انتخابات شده است و اگر این تاریخ باز هم به عقب بیفتد، مشروعیت دولت آقای کرزی به علت عدم مشارکت مردم زیر سوال خواهد رفت.

روزنامهٔ جنگ عراق را عامل اصلی بی توجهی کشور های غربی به ویژه امریکا و انگلستان نسبت به افغانستان دانسته و می نویسد که رهبری غلط جنگ در عراق موجب گردید تا میلیارد ها دلار کمک وعده داده شده به افغانستان در جنگ عراق به مصرف برسد. کنگرهٔ امریکا میلیارد ها دلار کمک به افغانستان را به تصویب رسانید اما بعدا همهٔ این پول ها به عراق منتقل شد. انگلستان نیز به علت مشکلات ناشی از جنگ عراق مجبور شد تا کمک های وعده داده شده به افغانستان را صرف مخارج عساکر خود در عراق نماید. از این پول ها چیزی باقی نماند تا به حکومت کرزی داده شود. در حالی که افغانستان و عراق دو کشوری از هم مجزا اند اما سرنوشت افغانستان با مصیبت جنگ عراق گره خورده است.

روزنامه در پایان، ضرورت پیروز شدن در افغانستان را برای غرب برجسته می سازد و ناکامی در افغانستان را برای اعتبار غرب در سطح جهانی سخت زیانبار می شمارد. روزنامه از این هم پیشتر می رود و ادعا دارد که آیندهٔ ائتلاف نظامی غرب تا حد زیادی به موفقیت ناتو در افغانستان وابسته است زیرا این اولین بار است که نیرو های ناتو به ماموریتی در خارج از اروپا فرستاده شده اند.

به همین گونه روزنامهٔ واشنگتن پوست نیز نظریات یک کارمند کارکشتهٔ سازمان سیا را به نشر سپرده که وی معتقد است جنگ با القاعده و طالبان یک ضرورت بود که امریکا با سیاست های غلط خویش در آن بازنده شد. اگر نیروهای خارجی افغانستان را ترک گویند، رژیم کرزی را باد خواهد برد.

اگر به تبصره های مطبوعات غرب در مورد اوضاع افغانستان توجه کنیم در می یابیم که تداوم جنگ در عراق افغانستان را به تدریج از مرکز توجه جهانی به دور می راند. روایتی خشن از گذشته را در ذهن زنده می کند و خبر از ابر هایی تیره دارد که بر فراز هندوکش در چرخش است.

فردا در گرو عملکرد های امروز ماست اما در آیینهٔ امروز اثری از فردای روشن به نظر نمی رسد. تاریخ این دوران را به عنوان دوره یی که در آن اقلیتی ثروتمند، ثروت مند تر شدند و اکثریتی فقیر فقیر تر، به یاد خواهد سپرد. آیندگان در مورد این که با کمک غرب ما افغانها چه به دست آوردیم و چه را از دست دادیم قضاوت خواهند کرد. وای برما اگر از کف داده های مان بیشتر از دست آورد های مان باشد. و دریغا که چنین است!

تصور مقولهٔ اصلاحات اداری

اعزامی

امروزه مقولهٔ اصلاحات اداری به مثابهٔ یکی از راهکارهای عمدهٔ مردمی جلوه دادن رژیم های سیاسی در آمده و بدون آوردن اصلاح در کار ادارات، ادعاهایی چون دولت خدمت گذار، مردمی ومتکی بر ارادهٔ اکثریت، یک تصور واهی بوده و در عمل مصداق پیدا نمی کند. زیرا اکثریت ادارات ما در شرایط فعلی یافاقد کار آیی لازم بوده وبنا بر گذشت زمان واقتضاآت عصر ضرورت وجودی اش منتفی گردیده ویا این که نسبت نبود لوایح ومقررات در عرصهٔ کاری، ادارات میدان تاخت وتاز اداره چی های ناشایست، بی ابتکار و بوروکرات قرار گرفته وهرچه دل شان خواست، آن را به عنوان روش معمول واصولی بر مراجعان تحمیل می کنند، و یا هم بنا بر ایجابات عصر اداراتی باید تازه روی صحنه بیایند که هنوز به آنها توجهی نگردیده است.

در شرایطی که کشور ما با بلند کردن شعار بازسازی، به سوی اعمار مجدد ونوسازی مادی ومعنوی حرکت می کند، اصلاحات اداری بایست در محراق توجه بازسازان وتجدد گرایان قرار بگیرد، چه تمامی ارگان های دولتی و نهادهای نیمه دولتی به نحوی از انحا به تدوین تشکیلات وسرمایه گذاری روی امکانات خود رو می آورند و این مهم بر آورده نمی گردد مگر به همت وپشت کار اشخاص کاردان ومجرب. بناء طرح اصول، معیارها و راهکارهای مفید برای اصلاح ادارات وارائهٔ خدمات بی شایبهٔ ملکی برای هموطنان، دو وظیفه یی مهم است که کمیسیون اصلاحات اداری باید به آن اهتمام ورزد. اصول ومعیارهای سالم ومعقول زمانی در ادارات تعمیل می شود که کمیسیون اصلاحات اداری با وضع قواعد ولوایح در بخش های مختلف، دستور العمل واضحی جلو دست اندرکاران بگذارد تا با تمسک به آن جلو انحراف وفساد گرفته شود، وخدمات ملکی زمانی به صورت سالم وبی شایبه به هموطنان پیشکش می گردد، که کمیسیون اصلاحات اداری یا پرسونل و اداره چی های لایق ومتقی را از لابه لای کارمندان دولت تشخیص بدهد و یا این که با تدویر کورس ها و سیمینارهای طویل المدت وقصیر المدت به تربیه وتزکیهٔ اداره چی های جدید پرداخته وافراد الگو و نمونه را از میان آنان برگزینند.

از مطالعات صفحات روزنامه ها وجراید دریافتیم که کمیسیون اصلاحات اداری نه تنها یک مرجع باصلاحیت برای زیر و رو کردن اوراق مقرری های ماموران عالی رتبهٔ دولتی می باشد، بلکه برای این که این اداره چنان وانمود کند که گویا در عرصهٔ کاری خود ابتکار به خرج داده و با اتخاذ روش های جدید در استخدام پرسونل واجد شرایط در پست های دولتی، شیوهٔ رقابتی را میان کاندیداها ترویج نموده وافراد مورد نظر را از آن طریق در رأس ادارات به گزینش می گیرند. در این شکی نیست که شیوهٔ گزینش رقابتی در استخدام افراد فنی ومسلکی، بهترین طریقه می باشد. ولی باید خاطر نشان کرد که اخلاص وحسن نیست پالیسی سازان، حقیقتی است که ارزش ومؤثریت آن از اهمیت جستجوی روش های گزینشی بیشتر می باشد. چه ضمانتی وجود دارد که هواخواهان شیوهٔ گزینش رقابتی، قبل از معرکهٔ رقابت، فرد مورد نظر خود را برگزیده باشند و رقابت فقط مجوزی باشد برای تزکیهٔ عمل آنها و ارائهٔ جواب به معترضان که چرا در شیوهٔ انتخاب با اعمال سلوک امتیازی عمل کرده اند؟ آیا شخص ویا بوردی که درمیان رقبا، قضاوت می کند، از ویژگی ها وصفات قضاوت در آگاهی مسلکی وعدل وانصاف بر خوردار است؟ و بالآخره همین شخص و یا هیأت قضاوت کننده چقدر استقلال رأی دارد وتحت تأثیر ارادهٔ مافوق نیست؟ موارد بالا و ده ها مورد دیگر، سوال ها وابهاماتی اند که اذهان را مغشوش می کند واین نگرانی همچنان باقی می ماند که مدعیان گزینش رقابتی در عین بلند کردن شعار رقابت، باعث سرگرمی بیهودهٔ متقاضیان گردیده و در فردای روز رقابت، همان فرد مورد نظر را روی صحنه آورده اند. چنانچه در اغلب رقابت ها ظاهراً کسی گوی سبقت را از رقیبان برده که قبلاً از طرف آمران به همان پست به عنوان سرپرست مقرر بوده و یاغرض کاندید دعوت گردیده است!!

تأسف در این است که کمیسیون اصلاحات اداری، به جای این که در ادارات اصلاح آورده و با ایجاد انکشاف در پروگرام های ادارات، ضعف ها و نارسایی های حاکم بر ادارات را اصلاح سازد. خودش شکار مداهنت وصله گری های ماموران و آمران مخالف اصلاح و بوروکرات گردیده را وفساد را با پوشش اصلاح به رخ مردم می کشند، که این شیوه کشنده ترین عامل برای ناکامی یک رژیم سیاسی به شمار می رود.

به نظر بنده وخیلی از اصلاح طلبان در شیوهٔ کار ادارات باید نو آوری های آتی در عرصهٔ اصلاحات اداری به وجود بیاید.

۱- نخست کمیسیون اصلاحات اداری برتشکیلات فعلی خود تجدید نظر نموده و با یک خانه تکانی اساسی، تهداب یک ادارهٔ سالم ونمونه را غرض ایجاد اصلاحات در سایر ادارات بگذارد.

۲- حالت زار ادارات و اداره چیان از نگاه ضعف تشکیلات، کمبود رجال مجرب و کارفهم، عدم قواعد و لوایح کاری، عدم توازن میان نیازمندی ها وحقوق کارمندان، نبود سیستم مکافات ومجازات و ده ها مشکل دیگر باید مورد توجه کمیسیون قرار بگیرد.

۳- از تورم ادارات در مرکز و ولایات کاسته شود، زیرا در اکثر ادارات لشکری وکشوری، تعداد آمرین و یا قوماندانان بیشتر از ماموران وسربازان آن ها می باشد.

۴- ادارات تشریفاتی لغو و یا قسماً از تعداد آن ها کاسته شود و در عوض برای تحقق اصلاح اداری واقتصادی به کار تشکیل ادارات تولیدی اهتمام شود.

۵- کمیسیون اصلاحات اداری با تدویر کنفرانس ها وسیمینارها به تربیه وتزکیهٔ اشخاص مجرب ومسلکی در ادارات بپردازد وتنها در نقش استخدام کننده بسنده نکند.

۶- هیأت ها وبوردهای متخصص وپرهیزگار را منهای عصبیت ورفاقت و با ارائه طرح ها وطرزالعمل های مؤثر در عرصهٔ اصلاحات تعیین نماید.

۷- ایجاد موازنه میان حقوق ونیازمندی کارمندان دولت و تعمیم سیستم مکافات ومجازات از طریق محاکم عدلی خاص، راه مؤثر جلوگیری از فساد است.

۸- فراهم آوری زمینه های آسان برای تدوین لوایح وتطبیق تشکیلات وارائهٔ خدمات ملکی، راه دیگر اصلاحات می باشد و باید به آن توجه شود.

۹- کمیسیون اصلاحات اداری پس از تشکیل پارلمان، به همکاری کمسیون خاص شورای ملی و مشورهٔ وزارت خانه های عدلیه وپلان برمجموعهٔ سیستم اداری کشور تجدید نظر نمایند.

انتخاب معاونان حق ...

ما باید سنجیده گام بر داریم و به تصمیم های جمعی دست پیدا کنیم.

استاد در مورد معاونان آقای کرزی گفت: انتخاب معاونان کاندیدای ریاست جمهوری تصمیم شخصی کاندیداها بوده جمعیت در این مورد با کسی پیشنهادی نداشته است. موضوع معاونان آقای کرزی با ما رابطه ندارد ، طوری که معلوم است آقای فهیم یکی از یاران شهید احمد شاه مسعود و آقای احمد ضیا برادر وی است و این دو با هم خیلی دوست اند و انتخاب هر یکی از آنها به پست معاونیت آقای کرزی برای ما فرقی نمی کند، این انتخاب در حلقات بالای تصمیم گیری حکومت که خود این آقایان در آن عضویت دارند گرفته شده است. به هر حال این مسأله برای جمعیت اهمیتی زیاد ندارد و ما را نباید از توجه به مسائل اساسی باز دارد.

استاد ربانی در مورد نشست های احزاب جهادی با حکومت آقای کرزی گفت: موضع ما در آن جلسات این بود که باید همه گروه ها وشخصیت ها وقوماندان ها اشتراک داشته باشند و تصمیمات اتخاذ شده به اتفاق یک طیف وسیع صورت بگیرد. در آن جلسات یک طرح پیشنهادی شامل ۲۴ ماده را به رئیس دولت ارائه نمودیم و گفتیم که دولت آینده باید از هواداران احزاب جهادی تشکیل گردد رئیس دولت نیز موافقت خویش را در این موضوع اعلان نموده بود .

استاد با اعلان استراتژی جمعیت در زمینهٔ حمایت از کاندیدا ها که عبارت از دست یافتن به توافق در مورد یکی از این کاندیداها از طرف احزاب جهادی است اظهار نمود که وی طرفدار ادامهٔ مباحثات این احزاب بوده و در صورت دست یافتن به توافق دسته جمعی از آن حمایت خواهد کرد.

استاد خطاب به اعضای جمعیت گفت:

سازمان ما در طول چند دههٔ اخیر نقش کلیدی در قضایای مملکت داشته و ما باید به تحولات اخیر توجه داشته و در انتخابات شرکت فعال داشته باشیم. مصالح مملکت و اسلام را عمده بدانیم منافع وگرایش های گروهی وشخصی خود را بر منافع جامعه ومردم ترجیح ندهیم ما باید اجازه ندهیم کشور به شمال و جنوب تقسیم شود و احزاب و گرایش های مختلف مردم را به هر سوبکشانند. استاد ربانی در مورد رابطهٔ جمعیت با گروه های دیگر گفت با هر گروه و جریانی که با مجاهدین دشمنی نداشته باشد برادر هستیم و جمعیت با کسی به علت مسائل گروهی مخالفتی ندارد.

رهبر جمعیت در قسمت انتخابات گفت، خواست ما این است که هر دو انتخابات همزمان برگزار شود. همزمان بودن هر دو انتخابات هم از لحاظ امنیتی و هم از لحاظ اقتصادی برای افغانستان مفید است ما با دیگر رهبران مجاهدین در این زمینه به دولت پیشنهاد داشتیم و آقای کرزی نیز موافقت خویش را اعلان نموده است.

به سه شهروند امریکایی ...

اما ادعای شان غلط است، وبه فرضی اگر صحت هم داشته باشد به هیچ وجه آنها را از چنگ قانون رهایی نمی بخشد و آنها محاکمه خواهند شد.

■ تعدادی از افغان ها هم با آنها گرفتار شده اند، این افغان ها چه کاره بوده اند؟

□ چهار نفر از افغان ها هم با ایشان همکاری داشته اند که یکی آنان نگهبان، یکی خانه سامان و دوی دیگر محافظ بوده اند و آنها برای این سه امریکایی در واقع زمینه سازی می کرده اند و به همین اساس ایشان نیز کسب الزامیت می نمایند.

■ در دعوا نامهٔ خود چه جزایی به متهمان درخواست کرده اید؟

□ در صورت دعوی خویش، برای امریکاییان به اساس هدایت مادهٔ ۱۶ قانون جرایم علیه امنیت داخلی وخارجی حبس طویل و برای متهمان افغانی متکی به مادهٔ۳۵ قانون جزا مطالبهٔ مجازات کرده ایم.

■ در مورد قضایای اختطاف که از طریق شما بررسی می شود چه گفتنی دارید؟

□ اختطاف و به ویژه کودک ربایی پدیده یی است شوم که متأسفانه در کشور ما به گونه یی غیر قابل پیش بینی بروز کرده است و مستلزم مبارزهٔ پیگیر وخستگی نا پذیر می باشد، اما آن گونه که رسانه ها تبلیغ می کنند و از کاه کوه می سازند نیست، فکر می کنم این همه تبلیغات وشایعه سازی در راستای کودک ربایی واختطاف انسان، بیشتر به منظور ایجاد رعب در جامعه وبرای جلوگیری از رفتن فرزندان ما به مکتب ومدرسه صورت می گیرد، البته قضایایی است که واقعاً به صورت سازمان یافته صورت گرفته و از لحاظ قانون اختطاف پنداشته می شود، ولیکن از این دست قضایا بسیار کم است و جرایم دیگری مانند زنا، لواط، سرقت و بعضاً گروگان گیری است که زیرعنوان اختطاف به این اداره مواصلت ورزیده است.

نکاتی در مورد پرورش فرزندان

قسمت نخست

سید ناصر تقدسی

تربیت و پرورش عبارت است از ایجاد و آفرینش عادت در وجود انسان و توجیه درست سلوکش او در راه خیر و نیکی. و تربیت به این مفهوم وظیفه یی است دشوار که تا حدودی زیاد صبرو شکیبایی می طلبد و چه بهتر که برای تحقق این مامول به برنامه های زندگی ساز پروردگار بزرگ روبیاوریم و از فرامین او پیروی کنیم، آن جا که ما را به ایجاد و نهادینه کردن عادت نماز در دل و درون فرزندان مان هدایت می دهد و می فرماید: "اهل و خانواده ات را به نماز امر کن و بر تداوم آن تأکید ورز، ترا از رزق نمی پرسیم- بلکه- روزی ات را ما فراهم می کنیم و انجام نیک از آن پرهیزگاران است".

درست، دوران کودکی و نوجوانی سخت ترین و در عین حال سر نوشت سازترین مرحلهٔ تربیت است که در صورت توجه به آن ، اهداف و مقاصد مورد نظر بر آورده خواهد شد. و خانواده در این عرصه، هسته یی است آغازین که آفرینش عادات خوب در نهاد انسان و توجیه روش های او ، از همین نقطه شروع می شود هر چند مشارکت جامعه و مؤسسات اجتماعی مانند مکتب ، مدرسه ، انجمن و وسایل اطلاعات جمعی در خصوص پرورش سالم انسان ها مهم است اما جای خانواده را هیچ یک آن ها پر کرده نمی تواند و نقش این کانون گران سنگ در امر تربیت به گونهٔ قطع انکار نا پذیر است و تا دور دست ها ادامه خواهد داشت.

ودر هر مرحله یی از زندگی اگر خانواده در وجود انسان نواقص و انحرافی را به مشاهد بنشیند به اصلاح آن خواهد پرداخت.

تصور نباید کرد که پدران و مادران در تربیت فرزندان خویش قصداً کوتاهی و اهمال می کنند حقیقت این است که ایشان علاقه دارند که فرزندان شان انسان هایی خوب بار آیند و درخت فضلیت در باغستان زندگی آنها به برگ و بار بنشیند اما تقصیر وبی توجهی اکثر خانواده ها در پروش کودک باعث اسباب و عواملی می شود که ناگزیر روند تربیت را مخدوش وآسیب پذیر می سازد و به عنوان مثال این اسباب عبارت اند از:

انسان نیز ساختهٔ دست قدرت خدا ست و همان ذات برای بهبود و صلاح کار او آموزه هایی را از طریق وحی فرستاده است که بایستی به آن عمل گردد

۱- عدم درک این حقیقت که فرزندان ما امانتی الهی اند که لابد در مورد آنان در روز آخرت پرسیده خواهیم شد، و مادر قبال تربیت درست آنان یک سلسله مسؤولیت ها یی داریم که خدا از آن این گونه تعبیر کرده است: "ای مؤمنان ! نفس ها و خانواده های تان را از آتشی نگهدارید که هیزم آن مردمان و سنگها می باشند..." پس مهم ترین مکلفیت ما در مورد تربیت کودکان آن است که به جهت وقایهٔ آنها از عذاب آخرت و ذلت دنیا برنامه هایی را در نظر بگیریم که مطابق با معیار های اسلامی شکل یافته باشد.

۲- نبود درایت نسبت به مفاهیم تربیتی سالم و عدم قناعت اکثریت قریب به اتفاق ما به این موضوع که آموزه های دینی وارزش هایی که قرآن با خود آورده است ، همگی در واقع یک سلسله دروسی است که اگر در جهت پرورش فرزندان خویش از آن بهره بگریم در حقیقت خیری بزرگ را هم به خود وهم به کودکان خود کمایی نموده ایم . برای وضاحت این امر چه زیبا ست که به قول دانشمند عالی قدر شیخ محمد متولی شعراوی - رحمت الله علیه توجه کنیم، آنجا که می گوید: زمانی که ما دستگاهی را می خریم ناگزیر برای بهره گیری درست از آن به یک سلسله تعلیماتی باید رجوع کنیم که در کتلاک و دفترچهٔ رهنمایی آن نوشته شده است و اگر چنین کاری را رعایت نکنیم، طبیعتاً از آن چیز، به گونه یی شایسته استفاده نخواهیم کرد، به همین گونه انسان نیز ساختهٔ دست قدرت خدا ست و همان ذات برای بهبود و صلاح کار او آموزه هایی را از طریق وحی فرستاده است که بایستی به آن عمل گردد، چنان که در قرآن می گوید: "ای پیامبر! ما کتاب را بر تو فروفرستادیم، در حالی که همه چیز در آن واضح شده و آن - هدایت و رحمت و مژده یی است برای مسلمانان..." بی تردید هر پدر ومادری خوش دارد که کارفرزندانش بهبود یابد و سعادت او تضمین گردد، و لیکن بدون رجوع به تعالیم دین و ارشادات الهی وبدون التزام به احکام قرآن ، آیا تحقق یک چنین هدف مقدس امکان پذیر است.

۳- درک نکردن ابعاد تأثیر پذیری فرزندان از برخورد مثبت و یا منفی پدرو مادر دست کم گرفتن نقش الگو ، در ساختار شخصیتی اولاد، به این مفهوم که پدرو مادر و حتی استاد، برای فرزندان و مخصوصاً کودکان الگوی قابل پیروی است، لذا اگر آنان الگو هایی خوب وصالح بودند فرزندان شان نیز انسانهای خوب بار خواهند آمد وگرنه عکس قضیه صادق خواهد شد ولی متأسفانه که درجوامع ما اهمیت این موضوع کمتر قابل درک است وغالباً پدران و مسؤولان خانواده های ما تمام توجه شان به امور نفقه و تهیهٔ مسکن کودکان و فرزندان خود متمرکز بوده و به مسائلی بالاتر از آن که ارزش تربیتی دارد اولویت نمی دهند، لذا بادرک این موضوع بایسته است که با فرزندان خود به عنوان های قدوه هایی نیکو برخورد نماییم و جوانان خود را که در صدد ازدواج و تشکیل خانواده هستند توصیه کنیم به مسائلی این چنین بیشتر اهمیت بدهند.

ای کاش در این شهر ...

را غصب نموده مستحق پولی تا ده لک افغانی می گردد. طرفین نزاع می توانند براساس این قانون که غاصب مستحق سهم بی‌شتر است مشکل شان را حل کنند! از قضیهٔ شیرپور که در سطح مطبوعات بین المللی به صورت گسترده مطرح شد ذکر می کنم که چگونه در چند صد متری دفتر رئیس دولت و در روز روشن توسط سران حکومت تاراج گردید.

غرب آمده های تکنوکرات و مبلغان حقوق بشر وقانون مداری با جنگ سالارها برای یک بارهم که شد، برسرخوان این غنیمت چرب، مزهٔ شیرین ائتلاف را چشیدند. مافیای چپاول در غرب، شرق، جنوب، شمال ومرکز کابل و درهمه جا به شدت و با اشتهای‌ی سیری ناپذیر در تکاپوی قاپیدن است که ذکر همهٔ این موارد از حوصلهٔ این مقال بیرون است.

چپاولگران غالبا بعد از غصب املاک دولتی و زمین ها وخانه های افراد، آنها را در ادارات مربوط مسترد نموده به نام خودشان ثبت دفاتر می کنندویا در محاکم با دادن رشوت به قضاه ،به نفع خویش فیصلهٔ می گیرند اما عدهٔ زیاد آنها این کار را لازم نمی دانند. چون اکنون رشوه وتزویر ادلهٔ عمدهٔ اثبات حق استیلا و زور مصادر اصلی قوانین عرفی مرعی الاجرای دولت انتقالی اسلامی افغانستان دانسته می شود. در شهرداری با آمدن شهردار جدید این پروسه بطی شده است اما خود شهردار اخیراً اعتراف کردکه توان مقابله با افراد مسلح را ندارد که هدفش همان غصب گران است.

بدون شک چنین وضعیت اسفناک در هرات، که به زعم بعضی ها قلمرو یکی از جنگ سالاران مشهور است وجود ندارد. در حالی که زمینه های تطبیق قانون وایجاد امنیت در کابل بسیار بیشتر از هرات و هر شهری دیگر است. اکنون در کابل اکثریت افراد پلیس و اردوی ملی متمرکزند. حدود پنج هزار نیروی آیساف فعالیت دارند و رئیس دولت وکاخ ریاست دولت تحت پوشش امنیتی نیروهای امریکایی قرار دارد.

حامد کرزی که شعار مبارزه با جنگ سالاران را سر می دهد و آنها را از بزرگ ترین تهدید علیه امنیت وثبات کشور می داند، مردم با این شعار مخالفتی ندارند. اما، تکرار می کنیم که قبل از سردادن این شعار باید رئیس دولت الگوی حکومت و ادارهٔ خویش را معرفی نماید که در آن قانون تطبیق شود وامنیت وعدالت تأمین گردد. الگوی اداره وحکومت در کابل،

متأسفانه بسیار نومید کننده وناموفق بوده و اساس بدی برای ناظم وحکومت داری نهاده شده است. به نظر کار آگاهان میزان فساد اداری رواج یافته در این حکومت در تاریخ افغانستان بی سابقه است. یکی از شاهان مستبد قرون وسطای اروپا سخنی مشهور گفته است: «من و ملتم به توافق دست یافته ایم، آنها هرچه می خواهند، می گویند و من هرچه می خواهم می کنم.»

به نظر می رسد که این حقیقت درکشور ما تکرار می شود اما به گونه بدتر از آن.

حکومت آقای کرزی با غصب گران، رشوه خواران، قانون شکنان وجنگ سالاران به توافق دست یافته است. حکومت هر چه می خواهد می گوید و آنها هرچه می خواهند می کنند» در آن زمان مردم در پهلوی شاه به عنوان یک طرف قضیه مطرح بودند. اما اکنون، در کشور مردم یک سره از قلم افتیده اند و به آنها اهمیتی داده نمی شود.

این نظریه که دولت آمادگی پرکردن خلای امنیتی ناشی از نبود نظم بر پا شده توسط جنگ سالاران را ندارد باتوجه به وضعیت حاکم در کابل به حقیقت نزدیک می شود.

اگر در شهری بزرگ چون هرات و مزار هرگاه نظم های کنونی فرو بپاشد، آیا دولت می تواند هزاران پلیس را در آن جا ها جا به جا سازد و آنها هم آیا می توانند از عهدهٔ تأمین امنیت و برقراری نظم به در آیند؟ آگاهان بر این نظرند که پلیس ملی دولت آقای کرزی در این شهرها و در سایر نقاط افغانستان تاهنوز نتوانسته است نقش مستقلانهٔ تأمین امنیت وثبات را به دوش گیرد، آنها در بهترین حالت بانظم های موجود در مناطق همکاری می نمایند و یا جزئی از آن نظم ها اند.

برخی مطبوعات خارجی وقتی می خواهند خطر جنگ سالاران را بزرگ جلوه دهند می گویند، حکومت کرزی منحصر به کابل است. اما، ای کاش در کابل حکومت وجود می داشت. متأسفانه، در این شهر حکومتی به چشم نمی خورد.

نامزد های ریاست جمهوری وارد ...

بر اساس مباحثاتی که در کنفرانس بن میان ما صورت گرفت، این اشخاص حق ندارند در دورهٔ بعد از انتقال، کاندیدای ریاست جمهوری باشند، چون در آن جا توافق شده بود که وظیفهٔ ادارهٔ مؤقت، تأمین امنیت وفراهم کردن زمینهٔ برگزاری لویه جرگهٔ اضطراری است و وظیفهٔ دولت انتقالی توسط لویه جرگهٔ اضطراری باید



دکتر سیرت

مشخص می شد که شد، و براساس این مباحثه ها افراد شامل در کابینهٔ ادارهٔ مؤقت، در دورهٔ انتقالی و افراد شامل در کابینهٔ انتقالی در دورهٔ پس از انتقال باید کاندیدا نمی شدند، مگر متأسفانه این بحث ها در اسناد رسمی نشست بن گنجانیده نشد چون این اسناد توسط افغان ها نه که به وسیلهٔ دوستان خارجی و در بیرون از کنفرانس وحتی قبل از آن ساخته شده بود.

دکتر سیرت در مورد روابط افغانستان با کشورهای بیرونی مخصوصاً دنیای غرب وحفظ عزت این کشور در سطح بین المللی خاطر نشان کرد که ما باید با تمام کشورها روابط دوستانه داشته باشیم. وما با دنیای غرب به ویژه امریکا اگر از یک موضع مساوی نمی توانیم حرف بزنیم، حد اقل بایستی به عنوان یک کشور مستقل و سرفراز و باعزت صحبت کنیم واگر ما از این کشورها یاری می خواهیم نه به عنوان کشوری ناتوان وسوال گر بل به حیث کشوری که در تک قطبی سازی جهان نقش کلیدی را بازی کرده است کمک می طلبیم و از حق مسلم خود می دانیم که جامعهٔ جهانی ما را همکاری کند.

او در بخشی دیگر از سخنان خود گفت اخضر ابراهیمی در دوران ماموریت خود در افغانستان نه به حیث نمایندهٔ ملل متحد بلکه چونان حاکم اصلی و نفر درجه اول کشور در این جا عمل می کرد و به همین ترتیب اشخاص خارجی بوده اند که در هر موردی حرف اول را می زنند چنان که در امریکا اسناد کمیته یی را ملاحظه کردم دیدم که شصت نفر به نام کارشناس امور افغانستان برای حکومت آن کشور طرح می دهند که فقط یکی آنان در مورد کشور ما مطالعاتی داشته و دیگران از او پیروی می کرده اند.

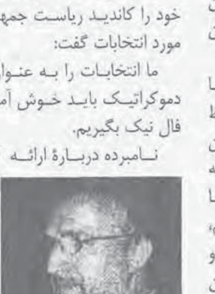
آقای سیرت درپاسخ یک پرسش پیرامون مجاهدان ومقاومت گران ومردمان عادی کشور گفت همه مردم از افغانستانند وباید در تعیین سرنوشت وساختن خانهٔ خود سهم بگیرند، و زعامت سیاسی آینده هم باید تمام اتباع این کشور را به دیدهٔ فرزندان خود بنگرد که نمی شود یکی را قدر کرد و دیگری را دور انداخت.

نامبرده در جواب این سوال که به گفتهٔ عبداللطیف پدرام شما در کنفرانس بن از لحاظ رأی گیری برنده بودید اما کرزی رئیس ادارهٔ مؤقت تعیین شد گفت: چنین کارها درسیاست بسیار معمول است وچون آقای کرزی نفر شماره دوم بود بعد از من او مورد توجه قرار گرفت.

همچنان آقای دکتر حلیم تنویر سه روز پیش خود را کاندید ریاست جمهوری معرفی کرد و در مورد انتخابات گفت:

ما انتخابات را به عنوان یک تجربهٔ جدید و دموکراتیک باید خوش آمدید بگوییم وآن را به فال نیک بگیریم.

نامبرده دربارهٔ ارائه کاپی ده هزار کارت جهت نامزدی برای احراز مقام ریاست جمهوری گفت:



دکتر حلیم تنویر

اکثر کاندیداها با امکاناتی که داشتند تعدادی زیاد از کاپی کارت ها را خریداری نموده اند و یا از طریق توسل به زور آن را تهیه کرده اند. ولی این راه حل نیست ملت به قیادتی ضرورت دارد که خواسته های ایشان را برآورده سازد. او درقسمت خط مشی خود گفت: نقطهٔ برجسته یی را که در خط مشی خود باید بیان کنم آشتی ملی است. من کوشش می کنم تمام ملت باهم آشتی کند.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ هژدهم | چهارشنبه ۱۴ اسد ۱۳۸۳ | ۱۸ جمادی الثانی ۱۴۲۵ – | 4 August 2004

د افغانستان داسلامی جمعیت وياند:

راتلونکی پارلمان باید په رښتیا سره دخلکو استازیتوب او له استبدادی او فردی حکومت نه مخنیوی وکړی

دافغانستان داسلامی جمعیت ویاند محمدنسیم فقیری د بی.بی.سی راډیو دپښتو څانگی دهغی گردی میز په پروگرام کی گډون کړی و کوم چی د اوونی بحث تر عنوان لاندی د تیری سه شنبی په ماښام خپور شو.

دافغانستان داسلامی جمعیت ویاند دولس مشری د ټاکنو لپاره دکاندید نوم په هکله وویل:

مونږ د ولس مشری د ټاکنو لپاره دخپل غړو له منځ نه کوم کاندید نده معرفی کړی.

فقیری وویل: له بده مرغه داساسی قانون په دوه شپیتمه ماده کی په ډیره ساده او سطحی توگه د ولس مشر خانگړتیاوی په گوته شوی چی ناقص او ناکافی ده او باید چی دسواد، زده کړی، روغتیا، تجربه د مدیریت د توان. او په ملی او نړیوالو مسایلو باندی د پوهی شرطونه ورزیات شوی وی.

ویاند د مرستیالانو د ټاکلو په هکله داسلامی جمعیت دریځ داسی څرگند کړ:

دمرستیالانو ټاکل دولس مشری د کاندیدانو مسلم او قانونی حق دی او دهغوی دصوابدید پوری اړه لری.

فقیری د دی پوښتنی په ځواب کی چی اسلامی جمعیت به دکوم کاندید ننگه او حمایت به وکړی، وویل:

اسلامی جمعیت نه غواړی چی په یواځی توگه تصمیم ونیسی او دنورو اسلامی، جهادی او مطرح شخصیتونو سره له سلا او مشوری نه پس تصمیم به ونیسی او هر هغه څه چی دخلکو په خیر او گټه وی او دملی مصالحو سره سمون ولری دهغه پر بنسټ عمل وکړی.

ویاند زیاته کړه:

له مځکی نه هم څه خبری اتری د ملی آجندا تر سرلیك لاندی د کرزی صاحب سره شوی او غواړو چی هغه هم آخری پړاوته ورسي او تور جهتونه هم ورگډ شی.

مونږ غواړو چی له کړکیچ نه ډډه وشی ځکه چی ملی وفاق او ملی یووالی ته اړتیا لرو.

فقیری د پارلمانی ټاکنو په هکله وویل:

که څه هم چی په اساسی قانون ویل شوی چی دواړو ټاکنی په یووخت کی تر سره شی خو اوس پکی بدلون راغلی او مونږ بیا هم ټینگار لرو چی په یووخت کی وشی.

اسلامی جمعیت ډیر زیاته دلچسپی لری چی په پارلمانی ټاکنو کی پراخه ونډه ولری او راتلونکی پارلمان باید په رښتیا سره دخلکو استازیتوب وکړی او داستبدادی او فردی حکومت مخه ونیسی.

ای کاش در این شهر حکومتی وجود می داشت!

استقرار ثبات وتأمین امنیت به عنوان عمده ترین وظیفه در برابر حکومت ها ونظام ها قرار دارد. اگر چنانچه حکومتی نتواند برای شهروندان خویش امنیت ایجاد نماید ومناسبات میان آنها را درچهارچوب یک نظم قانون مند وعادلانه سازمان دهد، در حقیقت در انجام اصلی ترین وظیفهٔ خویش ناکام مانده وفلسفهٔ وجودی آن منتفی شده است. اصولاً افراد به شرطی به مقررات مؤسسات دولتی گردن می نهند که این مؤسسات بتوانند دست تجاوز گران به حقوق، حیات وشرف آنها را کوتاه سازند.

البته امنیت در این جمله خلاصه نمی شود که مردم از حملات فزیکی تبهکاران در امان باشند وحیات آنها در معرض خطر قرار نگیرد. امنیت حوزه یی گسترده دارد. امنیت مالی، شغلی، امنیت شرف، امنیت سیاسی وموارد دیگر رانیز شامل می شود.

دولت افغانستان به رغم انتظارات مردم و ادعاهای کارگزاران وهواداران بین المللی آن، متأسفانه در تأمین امنیت پیشرفت نداشته است. این حکومت در توجیه ناکامی خویش در ایجاد ثبات و تأمین امنیت همیشه، عواملی دیگر،

غصب املاک و خانه های مردم و املاک دولتی شغل عمدهٔ اکثریت پرسونل نظامی و انتظامی حکومت گردیده است. قانون شکنی و فساد اداری روز تا روز گسترده تر و جا افتاده تر می شود.

از جمله فرماندهان محلی و به اصطلاح جنگ سالاران را مقصر قلمداد می کنند. این شعار دولت که باید حاکمیت قانون در مناطق تحت نفوذ آنها اجرا شود و هیچ کس تحت هیچ عنوانی نتواند حکومت فردی ایجاد کند، کاملاً پسندیدنی و پذیرفتنی است. اما نخست، باید حکومت با یک الگوی تطبیقی به این سوال پاسخ بگوید، به جای جنگ سالاری وحکومت های فردی، چه نوع حکومتی؟

چه نوع نظمی؟ اگر به جای نظم جنگ سالارانهٔ هرات مثلاً، الگوی حکومتی کابل جا به جا شود، من فکر می کنم باید مردم در پذیرفتن آن تامل داشته باشند، یک مقایسهٔ سطحی میان مناطق تحت کنترل جنگ سالاران وحکومت در کابل می رساند که وضعیت امنیتی و تأمین حقوق و مصالح شهروندان در این شهر، به هیچ صورت بهتر از قلمرو جنگ سالاران نیست.

نمودار جنایات و موارد بی امنیتی و قانون شکنی و فساد در کابل، بسیار بالاتر از برخی مناطق جنگ سالاران است. در این شهر امنیت اقتصادی یا تملک وجود ندارد. غصب املاک و خانه های مردم و املاک دولتی شغل عمدهٔ اکثریت پرسونل نظامی و انتظامی حکومت گردیده است. قانون شکنی و فساد اداری روز تا روز گسترده تر و جا افتاده تر می شود. رشوت، اختلاس و سرقت بیداد می کند. شاید طرفداران حکومت استدلال کنند که در اینجا حق آزادی بیان وجود دارد اما در مناطق جنگ سالاران، مردم از آزادی بیان بهره مند نیستند، درست است، این یک امتیاز دولت آقای کرزی است. اما، حق آزادی بیان از جمله موارد متعدد حقوق افراد و جامعه است که بدون تأمین آن حقوق متعدد، موجودیت این یک حق، مثل انسانی است که از جمله همهٔ پوشیدنی ها مثلاً یک کوت در تن داشته باشد.

در اینجا تنها به مورد تاراج املاک دولتی و غصب زمین ها وخانه های شخصی اشاره می کنم و از پروژهٔ پنجم خیرخانه به عنوان مثال یاد آوری می نمایم.

طبق اظهارات مسئوولان شهرداری صدها هکتار زمین دولتی و حدود ۸۰۰ نمره خانه و زمین شخصی، توسط باندهای مافیایی چپاولگر غصب گردیده است. اکثریت اعضای این باندها در دستگاه های نظامی وانتظامی حکومت عضویت دارند، چنانچه شهردار کابل در مصاحبه با B.B.C گفته است«کسانی که زمین های دولتی وخانه های مردم را غصب می کنند روی شانه های شان پر از ستاره است» در آنجا این مافیا قانون غیر مکتوب وعرفی برای حل منازعات و به عبارت

بهتر، تاراج املاک وخانه های مردم وضع نموده اند. براساس این قانون، که نسبت به قوانین موضوعهٔ دولت ارجحیت دارد ونافذتر است، کسی که سند ملکیت در دست دارد مستحق دو لک افغانی و کسی که زمین

ص۷

جنرال عبدالفتاح رئیس عمومی سارنوالی امنیت ملی:

به سه شهروند امریکایی مجازات حبس طویل خواستیم

در پی دستگیری سه شهروند امریکایی که به ایجاد زندان شخصی و شکنجهٔ افغان ها متهم می باشند، شک و تردیدهایی در پیرامون فعالیت نیروهای خارجی در کشور، میان مردم بروز کرده است وهمچنان موضوع کودک ربایی یکی از گرم ترین موضوعاتی است که به کابوسی وحشتناک عوض شده وروند عادی زندگی مردم را مختل ساخته است، به منظور در جریان قرار دادن هم وطنان عزیز از جزنیات قضایای فوق خبرنگار مجاهد با رئیس عمومی سارنوالی امنیت ملی گفتگویی انجام داده است که از نظر می گذرد.

■ در مورد زندان شخصی گروپی از امریکاییان که فعلاً در بازداشت هستند، وچگونه دستگیر شدن آنان اگر چیزی بگویید ممنون خواهیم شد؟

□ این سه شهروند امریکایی که دارای پاسپورت های امریکایی بوده و با ویزای دولت هند، به تاریخ ۱۴ اپریل سال روان از طریق هوایی وارد افغانستان شده اند، به منظور تأمین منافع شخصی خود، در مناطق مختلف شهر کابل، به گونه یی غیرقانونی به ساختن زندان شخصی مبادرت کرده اند. آنان در آغاز خانه یی را در وزیراکبر خان بعداً در ساحهٔ شهرنو و اخیراً منزلی دیگر را در کارتهٔ پروان در بدل مبلغ ۱۲۰۰ دلار به کرایه می گیرند و در آنجا زندان ایجاد می کنند، و برای پنهان نگهداشتن جنایت خود بر سر دروازهٔ زندان خود لوحه یی را به نام«یونیورسل اکسپورت» یعنی دفتر صادرات و واردات نصب می نمایند که در این اواخر خوشبختانه توسط نیروهای امنیتی گرفتار شده اند وقرار است که روزچهارشنبه ۱۴ اسد به محاکمه کشانده شوند.

■ تاکنون این گروپ چند نفر افغانستانی را توقیف وشکنجه کرده اند؟

□ این گروه تاوقت گرفتاری خود در حدود هشت تن از هم میهنان بی گناه ما را توقیف و مورد انواع شکنجه وتعذیب قرار داده اند که در جمع آنان، آقای مولوی محمدصدیق نائب رئیس مرافعهٔ کابل، برادر او آقای ملکیار کاردار ریاست تعلیمات اسلامی وزارت معارف، آقای مولوی آثار الحق سارنوال قوای هوایی ومدافع هوایی، شیرجان رانندهٔ تکسی، شرف الدین، غلام سخی، غلام حسین واجمل شامل می باشند.

■ در حین گرفتاری، از نزد ایشان چه چیزی به دست آمده است؟

□ در زمان گرفتاری از نزد آنان سلاح ها ومهمات روسی، کمره، وسایل فیلم برداری، آلات شکنجه، تصاویر شخصی، کارت های هویت



جنرال عبدالفتاح

امریکایی، وسایط موتری و یک تعداد اسناد تقلبی به دست آمده است و در جریان تحقیق گفته اند که گویا سلاحها ومهمات را از افغان ها خریداری کرده اند.

■ گفته می شود که متهمان ادعا کرده اند گویا آنها به اجازهٔ وزارت دفاع امریکا و برخی از مقامات دولت افغانستان، فعالیت می کرده اند؟

□ بلی! آنها به خاطر تبرئهٔ خود، چنین ادعاهایی را کرده اند، اسنادی هم از نزد ایشان به دست آمده که در آن اسمای افراد القاعده وجود دارد وتصاویری هم باخود دارند که در کنار شان برخی از مقامات دولتی دیده می شود، اما مطمئن هستیم که همهٔ این اسناد وتصاویر تقلبی است وبرای کتمان جرم خود، پیش تر، آنها را جعل کرده اند.

■ مشخص گفته می توانید که آنان از روابط باکدام اشخاص دولتی سخن گفته اند؟

□ آنها برای توجیه اعمال مجرمانهٔ خود ادعا کرده اند که گویا با آقای قانونی، استاد عطامحمد وقوماندان صاحب گدا تماس داشته اند

ص۶